

بررسی ماهیت و حکم فقهی عاق والدین

راضیه علی بخشی^۱

چکیده

مسئله احسان به والدین و عمل مخالف آن یعنی عاق والدین، از مسائل مهم در دین اسلام به شمار می آید، بطوری که بعد از امر به توحید، مسئله احسان به والدین و امر به آن مطرح شده است. علی رغم اهمیت این مسئله بسیاری اوقات از این امر مهم غفلت می شود. فلذا بررسی ماهیت عاق والدین و حکم فقهی آن اهمیت بسزایی دارد. آنچه در این پژوهش مورد دقت نظر و توجه قرار گرفته است، تعیین حدود و اثرات عاق و حکم فقهی آن، با استفاده از بررسی آیات و روایات میباشد. آن چه در این پژوهش به آن دست یافته شد این است که عاق والدین اثرات سوء بسیاری دارد و این آثار تنها مختص به زمان حیات والدین نمیباشد و حتی بعد از حیات ایشان نیز باید حقوقشان رعایت شود. هم چنین بعد بررسی مصادیق گفتاری و رفتاری عاق، معلوم شد که حکم فقهی آن در تمام مصادیق، از پایین ترین مصداق تا بالاترین مصداق عاق والدین حرمت میباشد و باید از آن اجتناب کرد.

واژگان کلیدی: حکم فقهی، عاق، عاق والدین، ماهیت، والدین

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه (علیه السلام)، alibakhshirazieh93@gmail.com.

مقدمه

دین مبین اسلام دینی است کامل که بر تمام جنبه های زندگی بشر توجه دارد یکی از این امور برّ به والدین است و کسی که از این امر مهم غافل بماند یا برخلاف آن عمل نماید مورد عاق والدین قرار گرفته و در دنیا و آخرت دچار عذاب الهی میگردد، به این صورت که در دنیا سبب خواری و نداری فرد و عدم استجابت دعای او ... و نیز در آخرت، موجب عدم استشمام بوی بهشت، عدم امان از عذاب الهی و ... میشود؛ با توجه به این مطالب، نظرات مختلفی درباره تعیین حدود عاق و ماهیت آن از سوی فقها ارائه شده است که نیازمند دقت نظر و بحث پیرامون این مسئله مهم می باشد.

پدر و مادر دو رکن خانواده هستند که استوار ماندن خانواده و آفت زدایی از آن جز با احترام به آن ها و فرمانبرداری از آن ها محقق نمی شود. از منظر اسلام انسان در مقابل نعمت های الهی پیرامون خود موظف و مسئول است و باید در عین استفاده و بهره مندی از آن ها، شکرگذار لطف الهی باشد و به وظایف خود نسبت به آن ها عمل نماید از جمله این نعمت ها، نعمت داشتن والدین است، باید به والدین نیکی کنیم و خود را مورد عاق والدین قرار ندهیم.

شناخت ماهیت عاق، علاوه بر اینکه سبب پرهیز از انجام این گناه کبیره می شود در به انجام رساندن تکلیف الهی مبنی بر برّ به والدین و عدم ظلم به آنان، ما را کمک کرده و از امور لازم و ضروری است.

هدف از تدوین این مقاله شناخت مصادیق عاق والدین و بررسی موارد و حدود آن می باشد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که: معنا و ماهیت عاق با توجه به آیات و روایات و حکم فقهی پیرامون این مسئله چیست؟

مفاهیم

الف – مفهوم عاق

اولین و قدیمی ترین لغتنامه ای که ریشه عاق (عقق) را بررسی کرده است خلیل بن احمد فراهیدی است، که اصل این ماده را به معنی شکافتن و قطع کردن می داند اصل "العق الشق". (فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۶۳)

هم چنین خود ایشان واژه ی عاق را در کنار والدین استعمال کرده و عاق والدین را به معنای قطع و ایجاد شکاف و جدایی با آنها معنا کرده است. بنابراین قطع و شکافی که ایشان بیان کرده اند قطع فیزیکی و یا قطع مطلق ارتباط نیست؛ زیرا ایشان مخالفت با پدران را نیز سبب عاق دانسته اند. ایشان هم چنین عاق را در مقابل "بر" آورده اند. (همان)

لغت نامه ی دیگری که به بررسی معنای این واژه پرداخته کتاب الجیم نوشته ی شیبانی است که ماده عقق را به معنای انشقاق می داند، واژه انشقاق نیز به معنای شکافته شدن، ترک برداشتن، پراکنده شدن و شکافتگی است. (شیبانی، کتاب الجیم، ج ۲، ص ۲۲۶) بسیاری دیگر از لغت نامه ها نیز به همین معانی اشاره کرده اند.

پس آن چه می توان از معنای ریشه عاق برداشت کرد، شکافتن، شکاف برداشتن، قطع کردن یا جدا شدن و هم چنین هرآنچه مخالف "بر" می باشد است؛ که تمام این معانی به معنی "جدایی" برمی گردد.

ب) مفهوم والدین

کلمه والدین در اصل به معنی "دو زاینده" بوده و تنها بر پدر و مادر صلبی اطلاق می شود، که نطفه فرزند از آن ها تشکیل شده است. (رستگار، لغت نامه قرآنی سلام، واژه والدین)

لازم به ذکر است که والدین ممکن است علاوه بر پدر و مادر نسبی، شامل حضرت رسول (ﷺ) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، استاد، پدر و مادر سببی، مادر رضاعی نیز باشد .

و حکم عاق شامل آنها نیز شود؛ اما همانطور که در آیه شریفه ی ... و "بالوالدین احسانا" (بقره، آیه

۸۳، نساء آیه ۳۶، انعام آیه ۱۵۱ و اسراء آیه ۲۳)... روشن است، ظاهر آیه بر پدر و مادر نسبی دلالت دارد.

علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان در تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره گفته اند، "وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ" مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد).

هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. (بقره، آیه ۲۳۳) بین "والد" و "اب" و "والده" و "ام" تفاوت وجود دارد؛ کلمه "ام" اعم از کلمه "والده" است، هم چنان که کلمه "أب" اعم از کلمه "والد" است، و کلمه "ابن" اعم از "ولد" است. (طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۲۳۹) بنابراین معنای موردنظر برای والدین در این آیات، تنها مربوط به احسان به والدین نسبی می باشد.

از معنای لغوی و اصطلاحی رفتار این مطلب حاصل می شود که درواقع رفتار مجموعه ای از افکار و اعمال و گفتار انسان است که معرف هویت و شخصیت اوست..

عاق در زمان حیات والدین

عاق از نظر دستوری اسم فاعل بوده و در مورد شخصی به کار میرود که به والدین خود نیکی نکند و یا آنها را مورد اذیت و آزار قرار دهد. (رضوان فر، توصیه های پیامبر به خانواده، ص ۳۰)

نکته دیگر در این باب این است که به شخصی که احسان و برّ نسبت به والدین نداشته و یا قطعه احسان نسبت به آنها داشته باشد عاق می گویند، برخلاف تصور عامه مردم که عاق والدین را نفرین شده از سوی والدین می دانند. (مدرسی یزدی، بررسی گستره فقهی غیبت، ص ۶۴)

اسلام عاق والدین را یکی از گناهان دانسته و در روایات بسیاری به عنوان یکی از گناهان کبیره شمرده شده است، تا جایی که گناه آن در بعضی روایات در حد کفر دانسته شده است. (گروه نویسندگان، زندگی نامه و رساله ۲۸ مرجع، ج ۲، ص ۳۱۲۶) در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که ایشان فرمودند: گناهان کبیره هفت عدد است: رفتار بد و عدم نیکی با پدر و مادر. (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۵۰) هم چنین عاق والدین از علائم آخر الزمان دانسته شده است و در حدیثی آمده که ... خواهی دید که عاق والدین بودن رواج یافته و پدر و مادر سبک شمرده می شوند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹)

در آیات و روایات تاکید بسیاری بر مسئله برّ و احسان به والدین و پرهیز از عاق آنان شده است به طوری که در قرآن کریم مسئله احسان به والدین در آیاتی متعدد بیان شده که جمله ی و بالوالدین احسانا نکته کلیدی در آن هاست. نکته قابل توجه در این باره، اطلاق این آیات است که اولاً احسان به والدین شامل هر نوع احسانی می شود بدون هیچ قیدی؛ و ثانياً والدین، شامل والدین مسلمان و کافر می باشد، بطوری که طبق روایتی از حضرت رسول (ﷺ) ایشان فرمودند: "از پدر و مادر خود اطاعت کن اگرچه کافر باشد." (شعیری، بی تا، ص ۸۴) هم چنین امام صادق (علیه السلام) یکی از اموری که شخص باید همیشه آن ها را انجام دهد نیکی به پدر و مادر دانسته اند چه نیکوکار باشند و چه بدکار. (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۹، ح ۳)

احترام و نیکی و جلب رضایت والدین تا آنجا اهمیت دارد که اسلام برای بدست آوردن دل ایشان، تملق را جایز می داند؛ درحالی که در عموم موارد تملق از امور مذموم و ناپسند شمرده شده است؛ پیامبر اکرم (ﷺ) دراین باره فرموده اند: "تملق گفتن جز از پدر و مادر و پیشوای عادل روا نباشد." (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۱۲۴، ح ۸۰۹)

برتری بر و احسان به والدین از دیگر اعمال، آنجا روشن می شود که در قرآن کریم بعد از پرستش خداوند متعال مسئله احسان و نیکی به والدین مطرح شده است "وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا." (نساء، آیه ۳۶)

در صحیفه سجاده - که یکی از منابع غنی شیعه از لحاظ دارا بودن مضامین عالی و والای عرفانی، اجتماعی، اخلاقی و غیره است - امام سجاد (علیه السلام) از خداوند درخواست می کنند که در مورد شناخت و ادای حقوق والدین او را یاری فرماید. درخواست هایی که ایشان در مورد حقوق والدین دارند، درواقع چراغ راه و راهنمایی برای شیعیان ایشان در ادای حقوق والدین می باشد. ایشان در دعای ۲۴ صحیفه که دعا برای والدینشان می باشد، از خداوند درخواست می کنند که وظایف ایشان نسبت به والدین شان و تمام دانش خدمت گذاری به آنها را به او الهام نماید. (صحیفه سجاده، دعای ۲۴، فراز ۳)

ایشان هم چنین در جایی دیگر بیان می کنند که ادای حق پدر و مادر از توان فرزند خارج است و فرزند هیچ گاه نمی تواند از عهده ی این امر مهم برآید. (همان، فراز ۱۱) در جایی دیگر نیز حضرت از خداوند می خواهد به پاس زحمات پدر و مادر در تربیت و پرورش ایشان از والدین شان تشکر کند؛ که این تشکر خداوند، جایگاه والای پدر و مادر را نشان می دهد. (همان، فراز ۷)

در اهمیت احسان به والدین و مذمت عاق والدین همین بس که خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) وحی فرموده است که: هر کس با والدین خود نیکی کند و با من عقوق نماید او را نیکوکار می نویسم و هر که با من نیکی کند و عاق والدین باشد او را عاق می کنم. (فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ص ۴۳۵)

بعد از بیان اهمیت احسان به والدین، آثار عمل مقابل آن، یعنی عاق والدین و علت حرمت عاق بررسی می شود.

امام رضا (علیه السلام) دلیل حرام نمودن عقوق والدین از سوی خداوند را بازداشتن فرزندان از احترام به فرمان خدا و احترام به پدر و مادر، کفران نعمت، از بین رفتن سپاسگزاری، نابودی و کمی نسل بشر، کم شدن احترام و حق بینی نسبت به والدین، قطع رحم، دلسرد شدن والدین از فرزند و بی میلی نسبت به تربیت آن ها می دانند. (ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۷۹)

از اثرات عاق والدین پذیرفته نشدن نماز از شخص عاق می باشد. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹) علاوه بر پذیرفته نشدن نماز از شخص عاق، دعای شخص عاق نیز پذیرفته نمی شود، در حدیثی از پیامبر (ﷺ) نیز

نتیجه گیری

آن چه از این پژوهش به دست آمد، در وهله اول حرمت و کبیره بودن عاق والدین، و در وهله دوم، شناخت مصادیق آن بود. که با توجه به آیات و روایات حدود کامل عاق والدین مشخص شده و فرد می تواند با استفاده از این آیات و روایات به مصادیق و حدود آن آگاهی پیدا کند.

انجام هر کاری که سبب آزار و اذیت والدین باشد ولو بدون قصد آزار و اذیت باشد، عاق والدین محسوب می شود؛ و نکته دیگر اینکه، بخلاف آنچه در نظر عرف جامعه است، عاق والدین، نفرین والدین در حق فرزند نیست، بلکه خود فرزند با انجام مصادیق عاق و قطع احسان به والدین، سبب عاق والدین می شود. بنابراین هر فردی باید تمام تلاش خود را برای جلب رضایت والدین و نیکی به آنها به کار گیرد و از هرگونه رفتاری که باعث ناراحتی آنها می شود، پرهیز کند. در صورتی که فردی ناخواسته مرتکب این گناه شده است، باید هرچه سریع تر نسبت به جبران آن اقدام کند و از خداوند و والدین طلب بخشش نماید. اگر به وظیفه خود عمل نکند، عواقب ناخوشایندی را در دنیا و آخرت برای وی به دنبال خواهد داشت. پس باید نیکی به پدر و مادر را سرلوحه زندگی خود قرار دهد تا به سعادت در دنیا و آخرت برسد.

فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه ابراهیمی

* صحیفه سجادیه

منابع فارسی:

۱-اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ هـ.ش.

۲-پاینده، ابو القاسم، نهج الف صاحبه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ هـ.ش.

۳-حق شناس، حمید رضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸ هـ.ش.

۴-خرسند، مجید، گناهان کبیره، قم: ظهور، چاپ اول، ۱۳۹۴ هـ.ش.

۵-دستغیب شیرازی، عبد الحسین، گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۹ هـ.ش.

۶-دوزدوزانی تبریزی، میرزا یدالله، رساله توضیح المسائل، بی جا: همراز قلم، ۱۳۹۵ هـ.ش.

۷-دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، مترجم: رضائی، سید عبد الحسین، تهران: دار الکتب اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.

۸-رضوان فر، احمد، تو صیه های پیامبر به خانواده، تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶ هـ.ش.

۹-گروه نویسندگان، زندگی نامه و رساله ۲۸ مرجع، اصفهان: واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای اصفهان، ۱۳۹۲ هـ.ش.

۱۰-مدرسی یزدی، محمد رضا، بررسی گسترده فقهی غیبت، قم: کریمه اهل بیت، ۱۳۹۱ هـ.ش.

۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح مسائل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۲ هـ.ش.

۱۲- ——— تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـ.ش.

۱۳- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم: موسسه مطبوعاتی ایرانیان، ۱۳۸۳ هـ.ق.

منابع عربی:

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۲- ——— معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۳- ——— من لا یحضره الفقیه، قم: بی جا، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۴- ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط- القدیمة)، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۵- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۶- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.

۷- شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، قاهره: الهیئه العامه لشئون المطابع الامیریة، چاپ اول،

م. ۱۹۷۵

۸- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان-بیروت: موسسه الاعلمی

للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ.ق.

۹- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: بی نا، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۱۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۱۱- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.ق.

۱۲- قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.

۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۱۴- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: بی نا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.

١٥-نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت

عليهم السلام، ١٤٠٨ هـ ق

